



پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته فلسفه اخلاق

دانشکده الهیات و علوم اسلامی

گروه علمی فلسفه

عنوان پایان نامه

اخلاق حاکمان و شهریان در مدینه فاضله افلاطون و فارابی

استاد راهنما

دکتر مهدی محقق

استاد مشاور

دکتر سید محمد میردامادی

مخارش

حکیمه دسترنجی

مرداد ۱۳۸۸

تاریخ
شماره
پیوست



دانشگاه پیام نور
دانشگاه پیام نور استان تهران



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

((تصویب نامه))

پایان نامه تحت عنوان :

" اخلاق حاکمان و شهریان از دیدگاه افلاطون و فارابی "

تاریخ دفاع : ۸۸/۴/۳۱ ساعت : ۱۶-۱۷:۳۰ نمره : ۱۹ درجه : عالی

اعضای هیات داوران :

نام و نام خانوادگی	هیات داوران	مرتبه علمی	امضاء
۱- جناب آقای دکتر مهدی محقق	استاد راهنما		
۲- جناب آقای دکتر سید محمد میردامادی	استاد مشاور		
۳- جناب آقای دکتر مهدی زمانی	استاد داور ۱		
۴- جناب آقای دکتر ناصر محمدی	استاد داور ۲		
۵- جناب آقای دکتر مهدی زمانی	نماینده گروه		

تهران، خیابان انقلاب،
خیابان استاد تجات اللهی،
نیش خیابان سپهر،
پلاک ۳۳۳
تلفن: ۸۸۰۱۰۹۰
مورنگان: ۸۸۰۳۱۵۸
پست الکترونیک:
tmo@tehran.pnu.ac.ir
پست الکترونیک:
<http://www.Tehran.pnu.ac.ir>

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته فلسفه اخلاق

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

گروه علمی فلسفه

عنوان پایان نامه

اخلاق حاکمان و شهریان در دیدگاه فاضله افلاطون و فارابی

استاد راهنما

دکتر مهدی محقق

استاد مشاور

دکتر سید محمد میردامادی

مخارش

حکیمه دسترنجی

مرداد ۱۳۸۸

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

لقدیر

حاصل کوشش‌های اندکم را برای متصل ماندن به دریای علم تقدیم می‌کنم به استاد فرهیخته، مترجم
توانا دایب سرشاس، استاد عبدالمحمد آیتی که همواره مشوق و پشتیبان من بودند.

پاسکزاری

در آغاز بر خود فرض می‌دانم از همه آنان که مراد طی این طریق یار و مدد رسان بوده اند صمیمانه و فروتنانه تشکر و قدردانی کنم: از استاد بزرگ دکتر مهدی محقق که از حیث اسادی حق دیرینه سال برگردن من دارند و با قبول راهنمایی این تحقیق منت خود را بر من تمام کردند و نیز از استاد دکتر سید محمد میردامادی که از ارشادات حکیمانه ایشان بهره‌مند شده‌ام و از همه اساتید گروه فلسفه اخلاق، به ویژه استاد دکتر مهدی زمانی، مدیر محترم گروه که بهواره مورد لطف ایشان بوده‌ام.

و افزون بر این، از همسر فریخته ام آقای دکتر پدram میرزایی پاسکزارم.

چکیده

تاریخ فلسفه اخلاق قدمتی به دیرینگی اندیشه بشریت دارد و تأثیر اندیشه‌های فلاسفه بزرگی چون افلاطون حکیم، از متقدمان فلسفه یونان و فارابی، حکیم مسلمان قرن سوم و چهارم هجری در عالم اسلامی، در تاریخ فلسفه مورد اتفاق و اذعان جمهور اهل اندیشه است. افلاطون و فارابی، هر دو آراء اخلاقی‌شان را در ضمن ترسیم مدینه فاضله طرح کرده‌اند. آنان درصدد تعریف فضیلت و سعادت و اخلاق فضیلت‌مندانه برآمده‌اند. در نزد این دو فیلسوف برای تحقق اخلاق فاضله، جامعه و فرد ارتباطی متقابل با هم دارند. به این معنا که اخلاق فاضله فردی تحقق نمی‌یابد مگر در بستر جامعه فاضله و مدینه فاضله قوام و دوام نمی‌یابد مگر با تکیه بر حاکمان و شهریان متخلق به اخلاق فاضله. به همین سبب، در این پایان‌نامه، پس از ذکر شرح احوال و آثار و شخصیت علمی دو فیلسوف به مباحث جهان‌بینی و فلسفه اخلاق و موضوعات مرتبط با آن همچون جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و ارتباط میان اخلاق و سیاست از دیدگاه افلاطون و فارابی پرداخته شده است. علاوه بر این، اخلاق حاکمان و شهریان با مراجعه به آثار این دو متفکر دسته‌بندی و تدوین گردیده است. شایان ذکر است که هر دو فیلسوف با توجه به اینکه حکیم حاکم یا فیلسوف‌شاه را رکن اصلی مدینه فاضله می‌دانند، بیشتر به اخلاق حاکمان پرداخته‌اند اما در این تحقیق، علاوه بر اخلاق حاکمان، ویژگی‌های اخلاقی شهریان نیز از لابه‌لای آثار به روش تحلیل محتوا استخراج و دسته‌بندی و مدون گشته است.

علاوه بر این، در این تحقیق میزان تأثیرپذیری فارابی از افلاطون و تلاش او برای شکل دادن به فلسفه اخلاقی با رنگ و بوی فرهنگ اسلامی که او را از حکیم یونانی متمایز می‌سازد، بررسی شده است.

کلیدواژه: فلسفه اخلاق، افلاطون، فارابی، مدینه فاضله، اخلاق حاکمان، اخلاق شهریان.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات تحقیق

۱	
۲	۱-۱ مقدمه
۶	۲-۱ تعریف مسئله و پرسش‌های تحقیق
۶	۳-۱ سابقه و ضرورت انجام تحقیق
۷	۴-۱ فرضیه‌های تحقیق
۷	۵-۱ اهداف تحقیق
۷	۶-۱ روش تحقیق

فصل دوم: جهان مینی و فلسفه اخلاق افلاطون

۹	
۱۰	۱-۲ زندگی، آثار و اندیشه‌ها
۱۰	۱-۱-۲ شرح احوال
۱۴	۱-۲-۲ معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی
۱۷	۱-۳-۲ فلسفه اخلاق
۱۸	۱-۴-۲ فلسفه سیاسی
۱۹	۱-۵-۲ مقام علمی افلاطون در جهان اندیشه
۲۰	۱-۶-۲ آثار
۲۴	۲-۲ انسان‌شناسی
۳۷	۳-۲ ارتباط اخلاق و سیاست
۴۰	۴-۲ اخلاق حاکمان و شهریان
۴۰	۱-۴-۲ مقدمه
۴۲	۲-۴-۲ ویژگی‌های اخلاقی حاکمان
۶۰	۳-۴-۲ ویژگی‌های اخلاق جنگجویان
۶۳	۴-۴-۲ ویژگی‌های اخلاقی شهریان

فصل سوم: جهان مینی و فلسفه اخلاق فارابی

۶۸	
۶۹	۱-۳ زندگی، آثار و اندیشه‌ها
۶۹	۱-۱-۳ شرح احوال
۷۲	۱-۲-۳ شخصیت

۷۴	۱-۳-۳ تحصیلات و استادان
۷۶	۱-۴-۳ فلسفه اخلاق
۸۰	۱-۵-۳ فلسفه سیاست
۸۲	۱-۶-۳ مقام علمی فارابی در جهان اندیشه اسلامی
۸۵	۱-۷-۳ آثار
۸۶	۲-۳ جهان‌شناسی فارابی
۸۸	۳-۳ انسان‌شناسی
۹۲	۴-۳ انسان مدنی / اخلاقی
۹۶	۵-۳ علم انسان مدنی
۹۹	۶-۳ ارتباط اخلاق و سیاست
۱۱۱	۷-۳ اخلاق حاکمان و شهریان
۱۱۱	۱-۷-۳ مقدمه
۱۱۶	۲-۷-۳ ویژگی‌های اخلاقی رئیس مدینه
۱۲۴	۳-۷-۳ ویژگی‌های اخلاقی رئیس دوم مدینه
۱۲۵	۴-۷-۳ ویژگی‌های اخلاقی شهریان
۱۲۸	
۱۳۸	

فصل چهارم: نتیجه‌گیری

پیوست: منابع

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱ مقدمه

پیشینه تاریخ فلسفه و فلسفه اخلاق به قدمت روزگاران دراز اندیشیدن انسان است. انسان به عنوان موجود اندیشمند از همان زمان که اندیشه‌ورزی را آغاز کرد به مسائل و پدیده‌های جهان هستی با تأمل و تعمق نگریست. او درصدد فهم پدیده‌های جهان هستی بود بدین منظور که با فهم و درک بهتر آنها به شناختی عمیق‌تر از پدیده‌های پیرامون خود دست یابد و همین امر به آشتی و هماهنگی بیشتر میان او و جهان بینجامد. همین انسان به عنوان موجود برتر جهان هستی یا اشرف مخلوقات این توانایی را داشت که علاوه بر عالم پیرامون به درون خود نیز نظر کند. او تنها درصدد شناخت پدیده‌های فراتر از خود نبود بلکه با اندیشه عمیق‌تر دریافت که باید خود را نیز بهتر بشناسد. و بر کسی پوشیده نیست که دنیای درونی انسان نه تنها دنیایی ساده‌تر از جهان هستی نیست که حتی گاه پیچیده‌تر از آن نیز هست. بنابراین، در طول تاریخ بشریت، بخشی از کوشش و همت انسان‌ها در تاریخ فرهنگ و تمدن و اندیشه صرف شناخت ابعاد وجودی انسان شده است. انسان محور و مدار جهان هستی است. بنابراین، شناخت وجوه گوناگون شخصیت و مسائل روحی و روانی او اهمیتی ویژه می‌یابد.

از میان جنبه‌های مختلف مسائل بشری، اخلاق و اخلاقیات همواره جایگاهی ویژه و درخور داشته‌اند تا جایی که شاید بتوان بزرگ‌ترین دغدغه انسان را در طول تاریخ اندیشه بشری مسئله اخلاق دانست. از آن‌رو که نوع نگاه اخلاقی تکلیف انسان را با جهان هستی روشن می‌کند و نوع رفتار و سلوک انسان‌ها با جهان، خدا و خویشان آنها، به عنوان مهم‌ترین ارکان زندگی بشریت، به موضع‌گیری‌های اخلاقی آنان وابسته است. جایگاه رفیع اخلاق در جهان اندیشه قرن‌هاست که همه فعالیت‌های فکری و فلسفی اندیشمندان را به خود اختصاص داده است. از روزگار فلاسفه یونان،

همچون افلاطون و ارسطو، و حتی پیش از آنها، تا امروز که عصر مدرنیته و پسا مدرنیته است، یافتن پاسخ برای سؤال‌های اخلاقی انسان و فهم و درک خوبی و بدی و مصادیق آنها که تبیین‌کننده رفتار شایسته‌ی مقام آدمی است، ذهن اندیشمندان را به خود مشغول داشته است. در طول قرن‌ها مکاتب اخلاقی متعددی چون رفتارگرایی، عاطفه‌گرایی، عینی‌گرایی و جز آن به وجود آمده که هر کدام نشانگر تلاش سیر اندیشه‌ی بشری برای تحلیل و فهم مسائل اخلاقی و یافتن پاسخ برای این مسائل است.

از میان اندیشمندان و فلاسفه بزرگ، افلاطون، به پیروی از استاد بزرگش سقراط، از زمره پیشگامان فلسفه اخلاق محسوب می‌شود. او در خلال آثار اخلاقی‌اش، به ویژه جمهور، در قالب محاوره، به تبیین آراء و اندیشه‌های اخلاقی خود پرداخت و با توجه به دیدگاه‌های معرفتی و انسان‌شناسی طرح اخلاقی نوینی را در تقابل با طرح رایج و جامعه‌پسند آن روز درافکند. افلاطون هدف فلسفه اخلاق خود را به لحاظ فردی بر فضیلت و رفتار فضیلت‌مندانه قرار داد و از حیث اجتماعی هدف او تحقق زندگی سعادت‌مندانه‌ی اجتماعی انسان در مدینه فاضله است. به عبارتی، افلاطون اجتماع آرمانی را پهنه بروز اهداف اخلاقی انسان می‌دانست اما همین اجتماع در صورتی در مسیر درست رهنمون می‌گردد که بر درون انسان‌هایی اخلاقی و فضیلت‌مند متکی باشد و اخلاق و ملکات فضیلت‌مندانه وقتی در انسان تحقق می‌یابد که انواع رفتارها و ویژگی‌های اخلاقی، به درستی، تعریف شوند و در اثر تکرار و تمرین و ممارست در درون انسان‌ها ملکه شوند. بنابراین، شناخت ویژگی‌ها و خصایل اخلاقی افراد اجتماع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به این ترتیب، بررسی اخلاق طبقات مختلف اجتماعی ضرورت می‌یابد.

افلاطون را یکی از اثرگذارترین فلاسفه در تاریخ اندیشه‌ی بشری دانسته‌اند. از آن رو که پس از او متفکران در طول قرن‌ها به تجزیه و تحلیل آراء او پرداختند. برخی از پیروان او به شمار آمده و نحله‌های مختلف فلسفی را بنیان‌گذارده‌اند و برخی دیگر چون فیلسوف بزرگ ارسطو که شاگرد او بود، طرح نوی درافکندند و نحله‌ای تازه به وجود آوردند که آن نیز در مقام خود در طول تاریخ اندیشه‌ی بشری اثرگذار بوده است. اما حتی مخالفت‌هایی که با آراء افلاطون به عمل آمده نشانگر

تأثیرگذاری عمیق او در تاریخ فلسفه و به ویژه تاریخ فلسفه اخلاق است. در تاریخ فلسفه اخلاق، به طور ویژه، همواره بحث بر سر سؤالاتی که افلاطون مطرح کرد مانند ماهیت خوبی و بدی، چیستی عدالت، تعریف فضیلت و سعادت، شناخت رفتار فضیلت‌مندانه و، به طور کلی، جایگاه اخلاق در زندگی بشر و حیات اجتماعی او جریان داشته تا آنجا که برخی از اندیشمندان مشغله تاریخ فلسفه را «افلاطون‌شناسی» دانسته‌اند. اما تأثیر و نفوذ افلاطون منحصر به مغرب زمین یا جهان مسیحی نبوده است. ویژگی اندیشه‌های عمیق بشری آن است که مرز نمی‌شناسند. آنها مرزهای جغرافیایی و حتی فرهنگی را درمی‌نوردند و در دورترین نقاط عالم به حیات خود ادامه می‌دهند. آنها به ذهن هر انسان اندیشه‌ورزی راه می‌یابند و بدین ترتیب حیات پر قدرت و پرفروغ خود را ادامه می‌دهند. بدین‌گونه است که آراء و اندیشه‌های فلاسفه یونان، به ویژه افلاطون، از طریق ترجمه آثار از سریانی و عبری به عربی، به جهان تفکر اسلامی راه می‌یابد و بزرگانی چون فارابی با این افکار آشنا می‌شوند. فارابی به عنوان یک فیلسوف مسلمان، در چارچوب فکری و فرهنگی عالم اسلام، درصدد پاسخگویی به مسائل اخلاقی مردمان مشرق زمین که پیرو آیین اسلام بودند، برآمد. مطالعات روشمند فارابی بر افکار و اندیشه‌های فیلسوفان پیشین مبتنی بود. او به اندیشه‌های اخلاقی و فلسفه اخلاق افلاطون وقوف کافی داشت و همچون او به تعریف فضیلت و سعادت و زندگی فضیلت‌مندانه در مدینه فاضله پرداخت. او همانند فارابی بستر تحقق اخلاق فضیلت‌مندانه را اجتماع یا مدینه فاضله می‌دانست اما در عین حال، بر این نکته نیز اذعان داشت که مدینه فاضله وقتی حیات خود را در مسیر صحیح ادامه می‌دهد که افراد آن، انسان‌هایی با فضیلت و با اخلاق باشند. بنابراین، به ویژگی‌های طبقات مختلف جامعه توجه خاصی نشان داد.

بدین ترتیب، هم افلاطون و هم فارابی، در ضمن طرح آراء و اندیشه‌های خود درخصوص مدینه فاضله به شرح ویژگی‌های اخلاقی طبقات مختلف پرداخته‌اند. اما، واقع آن است که در تحقیقات مختلف با وجود اهمیت وافر شناخت ویژگی‌های اخلاقی ساکنان مدینه فاضله، این بحث بنیادین، همواره تحت الشعاع بحث‌های سیاسی - اجتماعی قرار گرفته است. از این‌رو، در این تحقیق، همت خود را مصروف به شرح و بسط «اخلاق حاکمان و شهریان در فلسفه اخلاق افلاطون و

فارابی» نمودیم. در این پژوهش منظور ما از «شهریان»، به تعبیر حکیم ناصر خسرو قبادیانی، حکیم و شاعر قرن پنجم هجری، شهروندان مدینه فاضله است.

اما در این پژوهش سؤال دیگری نیز مدنظر بود. این سؤال آن است که به رغم مشترکات میان افلاطون و فارابی، آیا تبیین این دو فیلسوف از اخلاق حاکمان و شهریان یکسان است. یا به تعبیر دیگر آیا فلسفه اخلاق فارابی کاملاً متأثر از فلسفه اخلاق افلاطون است؟ یا آنکه فارابی به رغم اخذ آراء فیلسوف بزرگ یونان در اخلاق، اخلاقی با ویژگی‌های خاص فلسفه اسلامی تبیین کرده است؟ پاسخ به این سؤال آخرین منزلی است که پژوهش حاضر بدان منتهی می‌شود. از این رو، راقم این سطور، برای دستیابی به آراء اخلاقی افلاطون و فارابی به مطالعه آثار افلاطون، به ویژه جمهور و قوانین تألیفات اخلاقی اجتماعی فارابی مانند *آراء اهل مدینه فاضله*، *سیاست مدینه*، *تحصیل السعاده*، *التبیه علی سبیل السعاده* و *کتاب المله پرداخت* و با اتکاء به روش تحلیل محتوا و بهره‌گیری از ابزار یادداشت‌برداری به گردآوری آراء اخلاقی دو فیلسوف و دسته‌بندی ویژگی‌های اخلاقی حاکمان و شهریان از منظر این دو متفکر پرداخت. البته جهت غنای تحقیق مراجعه و مطالعه پیشینه تحقیقات ارزنده انجام‌یافته در این زمینه نیز ضروری به نظر رسید. از این رو، مطالعه و بررسی پژوهش‌های انجام‌یافته نیز پشتوانه این تحقیق قرار گرفت و حاصل این مطالعات در فصول زیر دسته‌بندی شد:

فصل اول، با عنوان «کلیات تحقیق» مشتمل است بر تعریف مسئله و بیان پرسش‌های تحقیق، سابقه و ضرورت انجام یافتن تحقیق، فرضیه‌های تحقیق، اهداف تحقیق، روش انجام تحقیق.

فصل دوم، با عنوان «جهان‌بینی و فلسفه اخلاق افلاطون» به زندگی، آثار و اندیشه‌های افلاطون و سپس به فلسفه اخلاق افلاطون می‌پردازد. در ذیل بحث فلسفه اخلاق، مباحث جهان‌شناسی افلاطون، انسان‌شناسی افلاطون، ارتباط اخلاق و سیاست از دیدگاه افلاطون و اخلاق حاکمان و شهریان آمده است.

در **فصل سوم**، با عنوان «جهان‌بینی و فلسفه اخلاق فارابی»، ابتدا به زندگی، آثار و اندیشه‌های فارابی

پرداخته شده و سپس مباحث مربوط به فلسفه اخلاق با عناوین جهان‌شناسی فارابی، انسان‌شناسی فارابی، ارتباط اخلاق و سیاست از دیدگاه فارابی و اخلاق حاکمان و شهریان درج شده است.

فصل چهارم، با عنوان «نتیجه‌گیری» به وجوه اشتراک و افتراق میان دو فیلسوف و ویژگی‌های خاص دیدگاه‌های اخلاقی فارابی پرداخته است.

۲-۱ تعریف مسئله و پرسش‌های تحقیق

یکی از اساسی‌ترین مسائل تاریخ فلسفه اخلاق، تبیین‌نگاه فیلسوفان به رفتار اخلاقی و چگونگی آن است. افلاطون، به عنوان بنیان‌گذار در فلسفه یونان در ضمن بحث مدینه فاضله در کتاب جمهور آراء اخلاقی خود را مطرح کرده است. فارابی، به عنوان مؤسس فلسفه اسلامی، نیز در آثاری چون *آراء اهل مدینه فاضله*، *سیاست مدینه*، *التنبیه علی سبیل السعادة*، *تحصیل السعادة* و ... اندیشه‌های اخلاقی خود را ذکر کرده است. شناخت آراء و اندیشه‌های اخلاقی این دو فیلسوف، به ویژه تبیین اخلاق حاکمان و شهریان و نوع و میزان تأثیرپذیری فارابی از افلاطون و ذکر ویژگی‌های خاص اندیشه‌های اخلاقی فارابی و دیگر مسائل مرتبط با موضوعات مذکور در این تحقیق مطرح گردیده است.

۳-۱ سابقه و ضرورت انجام تحقیق

در زمینه آراء اخلاقی و سیاسی افلاطون و فارابی تاکنون تحقیقات فراوانی در ایران و خارج از ایران انجام گرفته است که در این مقال امکان ذکر همه آنها میسر نیست. اما از آن میان علاوه بر ترجمه آثار افلاطون و فارابی به زبان فارسی اشاره به آثار دکتر رضا داوری اردکانی با عنوان‌های *فارابی مؤسس فلسفه اسلامی و فلسفه مدنی فارابی*، به زبان فارسی و *الافلاطون فی الاسلام* از دکتر عبدالرحمن بدوی و *الاصول افلاطونیه* اثر دکتر نجیب بلدی و همکاران به زبان عربی و تحقیقات والترز و دانلپ به زبان انگلیسی شایان ذکرند. همچنین در موضوع کلی سیاست و اخلاق از دیدگاه این دو فیلسوف پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری فراوانی تدوین گشته که از آن میان به «فلسفه سیاسی فارابی»

نوشته خانم فرناز ناظرزاده کرمانی اشاره می‌گردد. اما در بررسی‌های مذکور، بر آراء سیاسی - اجتماعی این دو فیلسوف بیشتر تأکید شده است و در طرح آراء اخلاقی به ذکر کلیات بسنده شده و به طور مجزا و مستقل، اندیشه‌های آنان درخصوص «اخلاق حاکمان و شهریان» مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است. در تحقیق حاضر، با توجه به اصالت اخلاق در نزد این دو اندیشمند و قوام مدینه فاضله به افراد اخلاقی و فضیلت‌مند آن، به طور ویژه به مبحث اخلاق در طبقات مختلف جامعه از دیدگاه افلاطون و فارابی پرداخته شده است.

۴-۱ فرضیه‌های تحقیق

نخستین فرضی که این تحقیق بر آن بنا گردیده آن است که افلاطون و فارابی، علاوه بر آراء سیاسی اجتماعی در مدینه فاضله، نگاه خاصی به اخلاق طبقات مختلف جامعه در مدینه فاضله داشته‌اند. تبیین نوع نگاه و منظر این دو فیلسوف و اخلاق مدار بودن فلسفه آنان فرض اول این تحقیق است. به تبع آن طرح این فرضیه ضرورت یافت که فارابی در آراء خود کاملاً متأثر از افلاطون نبوده و در تأسیس مدینه فاضله و ترسیم خطوط اخلاقی افراد آن مبدع نظریه‌ای خاصی بوده است که در خلال فصول آینده در صدد آزمودن آن برآمده‌ایم.

۵-۱ اهداف تحقیق

هدف این تحقیق ارائه طرحی سامان‌مند از آراء اخلاقی افلاطون و فارابی در مدینه فاضله و استخراج اندیشه‌های این دو فیلسوف درخصوص ویژگی‌های اخلاقی طبقات مختلف جامعه در مدینه فاضله است، علاوه بر این، نوع و میزان تأثیر پذیری فارابی، به عنوان فیلسوف مسلمان از اندیشه‌های افلاطون، به عنوان نماینده فلسفه یونان و سرانجام نظام خاص اندیشه‌های اخلاقی فارابی تبیین می‌گردد.

۶-۱ روش تحقیق

جامعه آماری این تحقیق را در وهله اول آثار اخلاقی سیاسی افلاطون و فارابی تشکیل می‌دهند.

بنابراین، راقم این سطور، با مطالعه دقیق جمهور و قوانین و دیگر آثار افلاطون و آراء اهل مدینه فاضله، سیاست مدینه، التحصیل علی سبیل السعادة، تحصیل السعادة و کتاب المله با اتکا بر روش تحلیل محتوا به تجزیه و تحلیل توصیفی و مقایسه‌ای پرداخت. یادداشت‌برداری از مراجع مذکور و دیگر تحقیقات انجام شده - که فهرست تفصیلی آنها در پایان این رساله خواهد آمد- و دسته‌بندی و تنظیم اندیشه‌های اخلاقی دو فیلسوف مواد این تحقیق را فراهم آورده است.

فصل دوم

جهان بینی و فلسفه اخلاق افلاطون

۱-۲ زندگی، آثار و اندیشه‌ها

۱-۱-۲ شرح احوال

آریستوکلس^۱، ملقب و مشهور به افلاطون، در آتن، حدود سال ۴۲۸ پیش از میلاد، به دنیا آمد. وی پسر آریستون^۲ و پریکتیونه^۳ بود. در افسانه‌ها گفته‌اند همان روزی از سال متولد شد که آپولون زاده شده بود.^۴ هنوز در قنناق بود که پدر و مادرش او را به قله هیمت^۵ بردند تا به درگاه خدا شکرگزاری کنند و هنگامی که آنجا سرگرم برگزاری مراسم مذهبی بودند، تمام زنبور عسل‌های یک کندو روی دهان کودک نشستند و آن را پر از عسل کردند. مسلماً این داستان‌ها به کلی ساختگی است، اما خوب نشان می‌دهد که دنیای باستان تا چه حد نبوغ افلاطون را ستایش می‌کرده است.

افلاطون از سوی پدر و مادر نسب اشرافی داشت و خود در رساله تیمائوس به این نکته اشاره می‌کند.^۶ خارمیدس^۷ و کریتیاس^۸ از مردان سیاسی آتن بودند. با چنین خاندانی شاید بتوان ورود در سیاست را سرنوشت محتوم افلاطون دانست.

افلاطون در نامه هفتم خطاب به خویشاوندان و دوستان سیراکوزی، شخصاً دلبستگی خود را به امر سیاست بیان می‌کند: «من خود به روزگار جوانی مانند دیگر جوانان در این اندیشه بودم که

۱. این لقب (Platos) به لحاظ فراخی شانه‌هایش به او داده شد (دیوگنس لائرتیوس، زندگانی فیلسوفان، فصل سوم).

2. Ariston

3. Prikione

۴. هفتمین روز از ماه تارجلیون (Thargelion)، برابر اردیبهشت ماه.

5. Hymette

۶. افلاطون، تیمائوس، ترجمه محمدحسن لطفی، ج ۳، ص ۱۸۲۶.

7. Charmides

8. Kritias

وقتی به سن بلوغ رسیدم و در انتخاب راه خود آزاد گردیدم در خدمت دولت درآیم و در اداره کشور شرکت جویم».^۱

اما آشوب‌های زمانه و زد و بندهای فرقه‌ای، اعتمادش را از مردان سیاسی که بر سر قدرت با هم درستیزه بودند، سلب کرد.^۲ افلاطون به دموکراسی بدبین شد. سپس جنگ پلوپونز و شکست آئه گوس - پوتاموس پیش آمد. در این دوره کوتاه که یک سال بیش دوام نیافت، دایه‌هایش کریتیاس و خارمیدس از خواهرزاده خود دعوت کردند که وارد سیاست شود اما افلاطون که می‌دید حزب اشرافی جز تلافی کردن آسیب‌هایی که در دوره قانونگذاری پیشین دیده، کاری انجام نمی‌دهد، سیاست را کنار گذاشت و یکسره خود را وقف فلسفه کرد. بالاخره وقتی هم که دوباره دموکرات‌ها به حکومت رسیدند، سقراط، که به نظر افلاطون تنها مرد قابل ستایش دوران بود، به مرگ محکوم شد. تجربیات افلاطون او را در موضع بدبینی نسبت به دموکراسی پایدار نگه داشت.

آشنایی با سقراط، برای افلاطون واقعه‌ای سرنوشت‌ساز بود. حکایت می‌کنند که او در بیست سالگی فقط به شعر و شاعری می‌پرداخت و روزی که برای شرکت در یک مسابقه ادبی به تماشاخانه‌ای می‌رفت، سقراط را دید که با جمعی از جوانان صحبت می‌کند. بی‌درنگ یقین کرد که آن مرد سالخورده مراد او خواهد بود. پس از آن آثار خود را آتش زد و از پی او رفت^۳ و تأثیر این هم‌نشینی و هم‌دلی تا پایان زندگی در او باقی ماند. تأثیر آموزش سقراطی او را از جهان طبیعت روی‌گردان کرد و به سوی انسان و زندگی و سرنوشت فردی و اجتماعی او کشانید. هم‌چنین، به فلسفه او رنگ تند عاطفی بخشید.^۴

افلاطون پس از مرگ استادش، همچون دیگر مریدان می‌ترسید که مورد آزار و ستم قرار

۱. افلاطون نامه هفتم، ص ۱۹۶۸؛ نیز نک: دانشنامه ملخص فلسفه و فیلسوفان یونان و روم، ترجمه امیر جلال‌الدین اعلم، ص ۶۶؛ پوپر، کارل، جامعه باز و دشمنان آن، ج ۱، ص ۴۶.

۲. پوپر، کارل، همان، ص ۴۴-۴۵.

۳. دیوگنس لائرتیوس، همان‌جا؛ برایان، مگی، فلاسفه بزرگ، «افلاطون»، ص ۲۴-۳.

۴. خراسانی، شرف‌الدین، از سقراط تا ارسطو، ص ۶۸.